

Research Paper

Jurisprudential Analysis of The Permanent Immigration of Elites And the Legal Requirements To Curb It From The Point of View of Public Policy



*Zeinab Nafar¹ , Abazar Afshar² , Zahra Ahmadi³

1. PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor of Jurisprudence and Islamic Law, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran.
3. PhD Student of International Relations, Department of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Nafar,Z, Afshar,A ,Ahmadi,Z(2024). [Jurisprudential Analysis of The Permanent Immigration of Elites And the Legal Requirements To Curb It From The Point of View of Public Policy (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 13(49), 70-91.

<https://doi.org/10.22034/sspp.2023.563097.3297>

<https://doi.org/10.22034/sspp.2023.563097.3297>



Received: 07 Oct 2022

Accepted: 31 Aug 2023

Available Online: 18 Mar 2024

Keywords:

Elites, Permanent immigration, Jurisprudence, Public policy

ABSTRACT

One of the current basic challenges of the Islamic society of Iran is the increase in the rate of immigration of the elites and their failure to return to the country, which naturally causes great damage to the structures that are developing and progressing in the second step of the revolution. The necessity and importance of the above issue requires that its jurisprudential ruling be measured based on the generality of jurisprudential rules and evidence and the viewpoint of contemporary jurists. Therefore, the following article tries to imitate by using the study of documents and consulting the great authorities. By analyzing the primary and secondary jurisprudential rules of the permanent migration of the elites, he will provide strategies for governance policies with the above phenomenon. According to the findings of the research, the approach of jurisprudence on the permanent migration of elites is duty-oriented and collectivist, not just human right. In other words, the generalities and applications of evidence, such as the rule of Nafye Sabil, Taarab after migration, the Sireh-e- Shariah and Sireh-e- wise, If the conditions for the development of elites in the Islamic society are provided, as a social right or a Sharia obligation, they are obliged to provide services to Muslims. And in case of lack of support from relevant institutions, the government is the guarantor. Based on this, the government should take a role model from the Sireh-e- Imams in dealing with the companions and elites, even if they have religious weaknesses, and make appropriate public policies for the benefit of the Islamic society in this field.

* Corresponding Author:

Zeinab Nafar, PhD

Address: Alzahra University, Deh-e-Vanak St., Tehran, Iran.

E-mail: zznafar@gmail.com

مقاله پژوهشی

واکاوی فقهی مهاجرت دائمی نخبگان و بایسته‌های قانونی مهار آن از دیدگاه سیاست‌گذاری عمومی

* زینب نفر^۱، اباذر افشار^۲، زهرا احمدی^۳

۱. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ استاد مدعو دانشگاه الزهرا.

۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

۳. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۵ مهر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۹ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۲۸ اسفند ۱۴۰۲

یکی از چالش‌های اساسی کنونی جامعه اسلامی ایران، افزایش حجم مهاجرت نخبگان و عدم بازگشت به کشور است که به‌طور طبیعی آسیب‌های کلانی بر پیکره‌ی ساختارهای درحال توسعه و پیشرفت در گام دوم انقلاب وارد می‌نماید. ضرورت و اهمیت مسئله فوق‌الذکر ایجاب می‌نماید حکم فقهی آن بر اساس قواعد و ادله‌ی فقهی و دیدگاه فقهای معاصر سنجیده شود. از این‌رو مقاله پیش‌رو با بهره‌گیری از مطالعه‌ی اسنادی و استفتاء از مراجع عظام تقلید درصدد است با تجزیه و تحلیل قاعده اولیه و ثانویه فقهی مهاجرت دائمی نخبگان، به ارائه راهبردهایی جهت سیاست‌گذاری حاکمیت با پدیده فوق‌الذکر بپردازد.

طبق یافته‌های پژوهش، رویکرد فقه بر مهاجرت دائمی نخبگان، تکلیف‌مدارانه و جمع‌گرایانه - نه صرف حق فردی نخبه - است. به دیگر سخن برآیند عمومات و اطلاقات قواعد و ادله فقهی از جمله قاعده نفی سبیل، تعرب بعد از هجرت، سیره عقلا و متشرعه، در صورت حمایت حاکمیت و فراهم بودن شرایط رشد در کشور مبدأ - جامعه اسلامی - نخبگان به‌عنوان تعهد شرعی یا حق اجتماعی، مؤلف به ارائه خدمات به مسلمانان هستند. از سوی دیگر دولت‌ها، در فراهم‌سازی شرایط موفقیت بالقوه آن‌ها، مسئولیت دارند؛ بر این بنیاد بایسته است حاکمیت با الگوگیری از سیره معصومین (ع) در مواجهه‌ی شایسته با صحابه و نخبگان صدر اسلام ولو با ضعف‌های دینی، سیاست‌گذاری عمومی مناسبی به نفع جامعه اسلامی اتخاذ نماید.

کلیدواژه‌ها:

نخبگان، مهاجرت دائمی، حکم فقهی، سیاست‌گذاری عمومی

* نویسنده مسئول:

زینب نفر

نشانی: تهران، خیابان ده ونک، دانشگاه الزهرا.

رایانامه: zznafar@gmail.com

مقدمه

و آموزه‌های مثبت است. با مذاقه در مبحث مهاجرت و واکاوی مصادیق آن در دین مبین اسلام، جنبه‌های مثبت مهاجرت و توصیه به این امر جلوه‌گر می‌گردد. نمونه بارز آن هجرت مسلمانان صدر اسلام از مکه به مدینه می‌باشد که پیروزی پیامبر اکرم (ص) بر کفار قریش را رقم زد. در این راستا پژوهش‌های مختلفی همچون مهاجرت برای فراگیری دانش، حفظ جان، تفقه در دین، رهایی از ظلم، دوری از گناه و تقرب به خدا مورد بررسی قرار گرفته است. باین حال می‌توان اذعان نمود که آسیب‌شناسی این پدیده از منظر فقهی کمتر مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. هجرت با آنکه در اندیشه اسلامی، قرآن و روایات دارای جایگاه والایی می‌باشد، در عین حال در برخی مواقع می‌تواند تبدیل به امری حرام شود. بدین ترتیب، گرچه در فقه اسلامی، حکم اولیه مهاجرت جواز می‌باشد؛ اما بنا بر شرایط مختلف ممکن است احکام دیگری چون وجوب کفایی یا حرمت بر آن مترتب گردد. شایان ذکر است که مهاجرت نخبگان برای تحصیل در علوم، مورد نیاز کشور اسلامی و بازگشت آنان برای نشر آن یک واجب کفایی بشمار می‌رود؛ اما در مقابل مهاجرت دائمی و غیرقابل بازگشت نخبگان از کشور اسلامی به بلاد غیراسلامی و دارالحرب، مسئله پژوهش مقاله پیش‌رو می‌باشد که از منظر فقهی مورد بررسی قرار گرفته و سپس به راهبردها و بایسته‌های قانونی مهار آن از دیدگاه سیاست‌گذاری عمومی پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون بررسی‌های فراوانی در ارتباط با پدیده مهاجرت نخبگان و متخصصان در کشورهای مختلف و من جمله در ایران به عمل آمده است. عسگری و همکارانش در کتاب «فرار مغزها و انتقال معکوس

پدیده مهاجرت نخبگان در جهان امروز، موضوع جدیدی نیست. بسیاری از نخبگان کشورهای جهان از جمله ایران به دلایل گوناگون اقدام به مهاجرت می‌نمایند. این امر چه بسا مزایا و معایب مختص به خود را دارد، در عین حال برای برخی از کشورها یک فرصت تلقی شده لیکن برای برخی دیگر یک چالش به شمار می‌رود. در این رابطه ایران، طی چند دهه گذشته در بحث مهاجرت نخبگان به عنوان کشوری مهاجرفرست شناخته شده است که با این پدیده در بستر مفهوم امروزی روبه‌رو بوده است. درباره علل مهاجرت اتباع کشور ایران به ویژه نخبگان و متخصصان، فرصت‌ها و چالش‌های این پدیده و همچنین لزوم تدوین سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آن مباحث و مقالاتی نگاشته شده است؛ اما آنچه به عنوان هدف این مقاله حائز اهمیت است و کمتر بدان پرداخته شده، بررسی مهاجرت نخبگان از منظر فقه ارتباطات و اجتماعی و دلایل و الزامات سیاست‌گذاران و مراجع دینی برای ورود جدی‌تر و تخصصی‌تر به این مهم می‌باشد.

در یک تعریف کلی از نخبگان، می‌توان به طیف و جامعه‌ای اشاره کرد که از برجستگی‌ها و صلاحیت‌های ویژه‌ای برخوردارند که مهاجرت آن‌ها به خارج از کشور می‌تواند بنا به دلیل یا دلایل گوناگون نظیر کسب فرصت تحصیلی و شغلی بهتر، امکانات رفاهی برتر، نظام سیاسی همسان، زندگی در جامعه به‌ظاهر مترقی و مدینه فاضله، نیل به همگرایی فکری و ایدئولوژیک، عدم باور به توانمندی‌های داخلی، دل‌باختگی به فرهنگ بیگانه، اثرپذیری از تبلیغات کاذب و فریبنده، غرب‌زدگی، سستی باورهای دینی و... می‌باشد. این در حالی است که مفهوم مهاجرت در اسلام عمدتاً واجد نکات

به تبیین اندیشه‌ها، آراء، رهنمودها و تدابیر ولایت فقیه (حضرت امام خمینی (قدس سره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)) در امور مهاجرین پرداخته است که نتایج این پژوهش نشان داد که الگوی مهاجرین مبتنی بر گفتمان ولایت فقیه دارای ۹ بُعد، ۱۴ مولفه و ۴۶ شاخص می‌باشد.

فیلیپ مارتین و جوناس ویگرن (۱۳۸۶) مهاجرت نخبگان را یک چالش می‌دانند. آنها ضمن بررسی مهاجرت‌های بین‌المللی در قاره‌های مختلف، بر این باورند که تجارت و سرمایه‌گذاری، کمک و مداخله و مدیریت مهاجرت از عوامل مؤثر برای حل معضل مهاجرت بین‌المللی است. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی نیز اقدام به تهیه سند ملی و فرابخشی تمهید شرایط حفظ و استفاده بهینه از نخبگان کرده است این سند به سفارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور توسط دکتر غلامرضا ذاکر صالحی (۱۳۸۸) تدوین و چاپ شد. در این سند راهکارهای مختلفی برای حفظ و کنترل مهاجرت نخبگان ارائه شده است. با وجود پژوهش‌های مختلف در خصوص بررسی علل مهاجرت نخبگان در سطوح داخلی و بین‌المللی، وجه ممیز این مقاله که آن را از سایر پژوهش‌ها متفاوت می‌سازد، بررسی موضوع از جنبه‌های فقهی می‌باشد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر تحلیلی - توصیفی می‌باشد. این‌گونه تحقیقات به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد وضع موجود را بررسی کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن بپردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی نماید. تحقیقات تحلیلی - توصیفی هم جنبه بنیادی دارد و هم جنبه

تکنولوژی» (۱۳۷۶) تحلیل‌های مختلفی از مسئله فرار مغزها ارائه می‌دهند که می‌توان به عواملی همچون: اقتصادی، شرایط زندگی، شرایط کار، شرایط اجتماعی، شرایط سیاسی، عوامل عاطفی و شرایط فرهنگی اشاره کرد. در خصوص مهاجرت ایرانیان یکی از مهم‌ترین اقداماتی که برای درک این مسئله انجام شده برگزاری نخستین همایش بررسی و شناخت مسائل ایرانیان مقیم خارج از کشور توسط اداره کل امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور در سال ۱۳۷۹ هجری شمسی بود که سخنان اندیشمندان و صاحب‌نظران در مجموعه مقالات گفتمان ایرانیان (۱۳۷۹) به صورت یک کتاب در آمده است.

فریبرز احمدی دهکاء و نسرين محمدعلیی (۱۳۹۷) در مقاله خود تحت عنوان «رویکرد ژئوپلیتیکی مهاجرت نخبگان» به این نتیجه دست یافته است که با بررسی های دقیق کارشناسی و تدوین سیاست‌های اجرایی مطمئن مهاجرت نخبگان، علل و راهکارهای متناسبی برای رویکردهای ژئوپلیتیک سه گانه «فرار مغزها»، «شکار مغزها» و «چرخش مغزها» اندیشیده شود.

دکتر سید رضا صالحی امیری (۱۳۸۸) نیز در کتاب مهاجرت نخبگان علل ناکامی‌های پی‌درپی جهت جلوگیری از فرار مغزها را عمدتاً ناشی از اعمال سیاست‌های مبتنی بر فرضیه‌های نادرست می‌داند. حسن وقوفی (۱۳۸۱) در کتاب فرار مغزها به بررسی الگوی جهان‌گرا و ملی‌گرای فرار مغزها و همچنین بررسی متغیرهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در این پدیده می‌پردازد.

غلامحسین بلندیان و سایر همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در امور مهاجرین و اتباع خارجی»

های مورد نظر به تناسب و محوریت اهداف پرسش‌ها با ترکیب و تلفیقی از دیدگاه‌های صاحب‌نظران معاصر فقهی و استخراج قواعد فقهی مرتبط مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است و در نهایت راهبردها و سیاست‌هایی جهت مهار یا کاهش مهاجرت دائمی نخبگان ارائه شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

طبق آخرین آمارها، در سطح جهانی، رتبه مهاجرفرستی ایران بر اساس جمعیت ایرانیان ساکن خارج از کشور در سال ۲۰۲۰ میلادی ۵۴ و رتبه دانشجویفرستی ایران بر اساس جمعیت دانشجویان ایرانی ساکن خارج از کشور در سال ۲۰۱۸ میلادی ۱۹ بوده است. تعداد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور نیز به مرور و هم‌راستا با افزایش کل جمعیت دانشجویان کشور و نیز افزایش جمعیت دانشجویان بین‌المللی در جهان، روند صعودی داشته و از ۱۹ هزار دانشجو در سال ۲۰۰۳ میلادی به ۵۶ هزار دانشجو در سال ۲۰۱۸ میلادی رسیده است. آمریکا، ترکیه، آلمان، ایتالیا و کانادا به ترتیب پنج مقصد اصلی دانشجویان ایرانی در دنیا می‌باشد. اکثریت دانشجویان ایرانی (تقریباً ۷۵ درصد) در آمریکا در مقاطع تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) مشغول به تحصیل هستند و بیش از نیمی از دانشجویان ایرانی در آمریکا در رشته‌های مهندسی تحصیل می‌کنند. تحلیل آمارها، در بازه زمانی سال ۱۳۸۰ تا مرداد ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که ۳۷/۲ درصد از «دارندگان مدال در المپیادهای دانش‌آموزی»، ۲۵/۵ درصد از «مشمولان بنیاد نخبگان» و ۱۵/۴ درصد از افراد «حائز رتبه‌های یک تا هزار» آزمون سراسری بیشترین درصد افراد مقیم خارج را به خود اختصاص

کاربردی؛ در بعد بنیادی به کشف حقیقت و واقعیت می‌پردازد و در بعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌ها استفاده می‌شود.

روش گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری اسنادی و کتابخانه‌ای و استفتاء از دفاتر مراجع مجتهدان و عظام تقلید بوده که با عنایت به مسئله مقاله، سه پرسش کیفی ذیل مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت:

۱. نخبگان مسلمان و سرمایه‌های انسانی در وضعیتی که نهادهای دولتی در کشور اسلامی شرایط اشتغال و رشد ایشان را از هر جهت فراهم نمایند بر اساس مبانی فقهی آیا با ملاحظه‌ی حقوق بشری، باز حق مهاجرت دائمی به کشورهای غیراسلامی را دارند یا به‌عنوان حق اجتماعی یا تکلیف شرعی موظف به ارائه خدمات به جامعه مسلمانان هستند؟
 ۲. در مسئله فوق در فرضی که برای برخی از نخبگان مسلمان شرایط جذب مناسب در جامعه اسلامی فراهم نباشد یا برخی مسئولان با مانع‌تراشی و عدم رعایت جوانب شایسته‌سالاری در جذب آنان اهمال و اجحاف نمایند بر اساس مبانی و قواعد فقهی آیا حق مهاجرت دائمی به کشورهای غیراسلامی دارند؟ در وضعیت کنونی حاکمیت باید چه راهبردها و سیاست‌هایی جهت مهار یا کاهش مهاجرت دائمی نخبگان اتخاذ نماید؟ که ابتدا نظرات ارزنده هفت تن^۱ از مراجع عظام، جمع‌آوری و داده‌ها نیز از منابع اسنادی فیش‌برداری گردید سپس به تحلیل محتوای داده‌های تحقیق پرداخته شده است به این نحو، پس از مطالعه مواد متنی استفتائات و اطلاعات کتابخانه‌ای، عبارت‌پردازی و چینش شده سپس داده
-
۱. دفاتر آیت‌الله مکارم شیرازی (دام‌الله)، آیت‌الله علوی گرگانی (ره)، آیت‌الله شبیری زنجانی (دام‌الله)، آیت‌الله دوزدوانی (ره)، آیت‌الله سیستانی (دام‌الله)، آیت‌الله نوری‌همدانی (دام‌الله)، آیت‌الله مظاهری (دام‌الله).

«بعضی از نخبه‌ها — یعنی [افراد] دارای استعداد؛ حالا با توضیحی که دادیم، شاید تعبیر «نخبه» برایشان درست نباشد — در اینجا رشد می‌کنند، وقتی نوبت ثمردهی می‌رسد، می‌روند میوه‌شان را به دیگری می‌دهند؛ گاهی هم آن دیگری دشمن است، به دشمن می‌دهند؛ گاهی می‌روند می‌شوند پیچ و مهره‌ی استکبار جهانی برای تصرف ملت‌ها و دشمنی با ملت‌ها، می‌شوند ابزار او، می‌شوند پیچ و مهره‌ی او؛ بعضی این جوری هستند. خب اینها ناشکری می‌کنند؛ و البته خیر هم نمی‌بینند در آخر؛ به نظرم اینهایی که این جور پشت کنند به مردم خودشان، خیر نمی‌بینند. نخبه باید کنار مردم خودش بماند. نمی‌گوییم مهاجرت نکنند، درس نخوانند، به فلان دانشگاه برتر یا فلان مرکز نروند؛ نه، بروند؛ اما برای مردمش بروند، بروند برای اینکه برگردد اینجا برای کشورش کار کند، نرود برای اینکه برای او ابزار و مهره بشود. خب، این بسیار مطلب مهمی است؛ نخبگان ما باید در محضر وجدان خودشان و در محضر خدا این مسئله را حل کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱)»

گرچه اولین تلاش‌ها در سطح کلان برای شناسایی و حفظ نخبگان در داخل کشور در سال ۱۳۷۴ هجری شمسی مشاهده شد؛ موضوع ورودی‌های تیزهوش مراکز آموزش عالی و دانشجویان نخبه و بااستعداد دانشگاه‌ها را وزیر فرهنگ و آموزش عالی مطرح کرد و مقرر شد که مرکز آموزش عالی ویژه‌ای با ضوابط خاص برای این قبیل دانشجویان تدارک دیده شود (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۴). لیکن یکی از جدی‌ترین اقدامات که در خصوص حفظ نخبگان انجام شد، ایجاد بنیاد ملی نخبگان همچنین معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۵ بود که نشان‌دهنده اهمیت موضوع در سطح کلان می‌باشد. همچنین تصویب «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» در شورای عالی انقلاب‌فرهنگی در سال ۱۳۹۱ هجری شمسی در کنار ایجاد ستاد اجرایی‌سازی این سند یکی دیگر

داده‌اند^۲ (رصدخانه مهاجرت ایران، ۱۴۰۰). شایان ذکر است علاوه بر مهاجرت دانشجویان، میل به مهاجرت در میان متخصصان و کارآفرینان به ویژه فعالان استارت‌آپ‌ها تحت تأثیر تحولات سال‌های اخیر افزایش یافته است.

در رأس نظام جمهوری اسلامی ایران، رهبر معظم انقلاب اسلامی به مسئله مهاجرت نخبگان بیشترین توجه را داشته‌اند. در دهه‌های اخیر ایشان در سخنرانی‌های مختلفی به این مسئله اشاره و خواستار توجه و حفظ نخبگان شده‌اند. ایشان فرار مغزها را با مهاجرت نخبگان متفاوت دانستند و خاطر نشان کردند مهاجرت برخی نخبگان برای استفاده از امکانات علمی دیگر کشورها نگران‌کننده نیست چرا که در نهایت به بازگشت به کشور و ارتقای سطح علمی جامعه منجر می‌شود؛ اما آنچه مذموم است فرار مغزها و از یاد بردن مسئولیتی است که هر فرد ایرانی، در روند پیشرفت و ارتقای میهن خود بر عهده دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین نخبگان را سرمایه‌های ملی خواندند و ضمن تأکید بر برخورد ریشه‌ای با مسئله مهاجرت نخبگان تأکید دارند که باید با حل مشکلات موجود از این سرمایه‌های گران‌قدر برای پیشرفت کشور استفاده کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹). همچنین مسئله مایوس کردن نخبگان در داخل کشور و ترویج مهاجرت دائم را خیانت به کشور می‌دانند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۰). ایشان در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر تحصیلی در مهر ۱۴۰۱ نیز بار دیگر بر مواضع خود تأکید داشتند:

۲. آمارهای فوق برگرفته از سالنامه مهاجرتی ۱۴۰۰ کشورمان است که توسط رصدخانه مهاجرتی ایران به عنوان منبع رسمی آمارهای مهاجرتی منتشر شده است.

دانش بنیان، کل شرکت های تأیید شده دانش بنیان تا آبان ۱۴۰۱ به ۷۷۵۸ شرکت رسیده است. آمارها نشان می دهد که بیشترین شرکت های دانش بنیان در علوم الکترونیک و فناوری اطلاعات مشغول به کار هستند (سامانه ارزیابی شرکت های دانش بنیان، ۱۴۰۱). همچنین شاخص تعداد کارکنان فعال در

از اقدامات در راستای شناسایی، حفظ و بازگشت نخبگان کشور است (بنیاد ملی نخبگان، ۱۴۰۱). در دهه های اخیر توجه به شرکت های دانش بنیان مضاعف شده است که این شرکت ها می توانند علاوه بر رفع نیازهای داخلی کشور، در حفظ نخبگان اثرگذار باشند. بر اساس تارنمای سامانه ارزیابی شرکت های

جدول ۱. اقدامات انجام شده برای جذب و حفظ نخبگان کشور (بر اساس سالنامه مهاجرت، ۱۴۰۰)

سال	نهاد اقدام کننده	اقدام
۱۳۶۶	شورای عالی انقلاب فرهنگی	تشکیل دفتر جذب نخبگان
۱۳۶۹	شورای عالی انقلاب فرهنگی	مساعادت مادی و معنوی به دانشجویانی که دارای استعداد قوی هستند
۱۳۷۴	شورای عالی انقلاب فرهنگی	تدارک تأسیس مرکز آموزش عالی ویژه برای دانشجویان نخبه و بااستعداد
۱۳۸۳	هیأت وزیران	آیین نامه جذب نیروی انسانی نخبه
۱۳۸۵	شورای عالی انقلاب فرهنگی	تأسیس بنیاد ملی نخبگان
۱۳۸۵	ریاست جمهوری	تأسیس معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری
۱۳۸۹	مجلس شورای اسلامی	قانون حمایت از شرکت ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری ها و اختراعات
۱۳۹۰	هیأت وزیران	آیین نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر در دستگاه های اجرایی
۱۳۹۱	شورای عالی انقلاب فرهنگی	سند راهبردی کشور در امور نخبگان
۱۳۹۴	هیأت وزیران	برنامه توسعه تولید محصولات دانش بنیان
۱۳۹۴	مجلس شورای اسلامی	قانون حمایت از شرکت ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری ها و اختراعات
۱۳۸۹	مجلس شورای اسلامی	قانون حمایت از شرکت ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری ها و اختراعات
۱۴۰۰	هیأت وزیران	آیین نامه جذب و نگهداری سرمایه انسانی استعداد برتر و نخبه در دستگاه های اجرایی
۱۴۰۱	مجلس شورای اسلامی	قانون جهش تولید دانش بنیان
۱۴۰۱	هیأت وزیران	تصویب ۸ آیین نامه حمایت از تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین در بخش کشاورزی و منابع طبیعی، حوزه سلامت، صنعت آب و برق، صنعت نفت، صنعت معدن و تجارت، اقتصاد، وزارت کشور، علوم، تحقیقات و فناوری

قابل دسترس در <https://imobs.ir/outlook/detail/5>

مهاجرت دائمی به کشورهای غیراسلامی را دارند یا به‌عنوان حق اجتماعی یا تکلیف شرعی موظف به ارائه خدمات به جامعه مسلمانان هستند؟

انصراف و جوب هجرت از مسئله فوق: اسلام برای محقق کردن اهداف دینی و اجتماعی خود و برای نهادینه نمودن آموزه‌های دینی بر مسئله هجرت تأکید کرد. هجرت در حقیقت کنده‌شدن از تمام تعلقات و وابستگی‌ها بود. اگرچه مسلمانان از نظر اعتقادی متحول شده بودند، ولی از آنجا که در معرض فشار ناسازگاری‌های اجتماعی قرار داشتند و مشرکان مکه مسلمانان را اذیت می‌کردند، به امر خداوند در دومین سال آشکارشدن دعوت، یعنی سال پنجم بعثت، به دستور پیامبر (ص) عده‌ای از آنان به حبشه هجرت کردند (ابن هشام، ج ۱، ص ۱۹۹؛ ابن اثیر، ج ۷، صص ۸۷-۸۳). خداوند در مورد هدف هجرت می‌فرماید: «و کسانی که پس از ستم‌دگی، در راه خدا هجرت کرده‌اند، در این دنیا جای نیکویی به آنان می‌دهیم و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت بزرگ‌تر خواهد بود»^۳. منظور از جایگاه نیکو، جامعه اسلامی است که پرستش خدا و عدالت و نیکوکاری در آن حکم‌فرما باشد. تشکیل چنین جامعه‌ای، علت مهاجرت آنان، ذکر شده است.

مسلمانان بعد از هجرت، هم از نظر تعداد و هم از نظر امکانات، نیروی کافی در اختیار نداشتند؛ لذا نباید به بلاد کفر می‌رفتند؛ اما بعد از فتح مکه و مسلمان شدن بسیاری از مشرکین و قرار گرفتن آنان زیر پرچم اسلام، این مانع برطرف شد. در این زمینه روایاتی وارد شده، از جمله از عایشه نقل شده که: «از پیامبر (ص) در مورد هجرت سؤال شد، پیامبر (ص) فرمود: «بعد از فتح مکه هجرتی وجود ندارد.

۳. (وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَآخِرَةَ الْآخِرَةِ أَكْبَرَ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ) سوره نحل/۴۱.

شرکت‌های دانش‌بنیان بین سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ روندی صعودی داشته، به‌طوری‌که تعداد کارکنان فعال در شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور از ۱۹۴۲ نفر در سال ۱۳۹۲ به ۱۸۰۹۱۸ نفر در سال ۱۳۹۹ رسیده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۹: ۳۶). با این حال شرکت‌های مذکور همچنان با چالش‌های جدی مواجه هستند که می‌توان مشکل در تعاملات بین‌المللی و نقل و انتقالات مالی، نبود اعتماد به محصولات ساخت داخلی و عدم فرهنگ‌سازی در این خصوص، واردات محصولات مشابه تولید داخل و بی‌ربوبی صنایع به استفاده از فناوری‌های «پیشرفته» اشاره کرد.

با تمام اقداماتی که در راستای جذب و حفظ نخبگان در سال‌های اخیر انجام شده شاهد آن هستیم که ایران در شاخص رقابت‌پذیری جهانی برای استعدادها در سال ۲۰۲۰ - در واقع نشان‌دهنده قدرت یک کشور در جذب و حفظ استعدادها برتر داخلی و خارجی است - در میان ۱۳۲ مورد بررسی شده در جایگاه ۱۰۲ قرار دارد، عقب ماندن کشور ایران در این خصوص کاملاً مشهود است (صدخانه مهاجرت ایران، ۱۴۰۰). در چنین فضایی لازم است که بیش از گذشته در حوزه استعدادها برتر و درخشان برنامه‌ریزی‌های منسجمی انجام گیرد تا بتوان از توان و تخصص آنها در جهت تقویت جامعه اسلامی نهایت بهره را برد.

۳-۱. قاعده اولیه مهاجرت دائمی نخبگان

در این بحث تشریح این مسئله مهم فقهی پرداخته می‌شود که نخبگان مسلمان و سرمایه‌های انسانی در وضعیتی که نهادهای دولتی در کشور اسلامی شرایط اشتغال و رشد ایشان را فراهم نمایند براساس مبانی فقهی آیا با ملاحظه‌ی حقوق بشری، حق

در آیات آخر سوره انفال، سخن از پنج گروه به میان آمده است؛ خداوند درباره گروه سوم که ایمان آوردند؛ ولی مهاجرت نکردند، می‌فرماید: «... و کسانی که ایمان آوردند (ولی) مهاجرت نکردند میان شما و ایشان ولادت ارث نیست تا آنکه مهاجرت کنند...».^۶ این آیه، ولایت را در میان مؤمنین مهاجرین و انصار و میان مؤمنینی که مهاجرت نکردند نفی می‌کند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ج ۱: ۱۹۲). بدین ترتیب آیه مذکور با بیان مسئولیت مسلمانان در مقابل مؤمنان غیرمهاجر اهمیت هجرت را روشن می‌سازد.

بنابراین، بر اساس آیات و روایات مذکور، وجوب هجرت در راه خدا به دلیل سبب تشکیل جامعه اسلامی، تقویت اسلام در مقابل کفر، حمایت از هم‌کیشان و برادران مؤمن و مسلمان و در نهایت ایجاد وحدت و همبستگی میان آنان گردید. از این رو محتوای قاعده وجوب هجرت عبارت است از اینکه در صورت وجود ۴ شرط بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است که هجرت کند این چهار شرط عبارت‌اند از اینکه:

۱. قدرت بر هجرت وجود داشته باشد. برخی از فقها در مورد این شرط اظهار داشته‌اند که: هجرت تنها منحصر به خروج از ناحیه شرک به سوی غیر آن نیست؛ بلکه ملاک آن است که شخص در یک منطقه معین قادر بر حفظ دین خویش نباشد و اگرچه آنجا سرزمین اسلامی باشد. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۷۹).

۲. هجرت از سرزمین کفر باشد. برخی از فقها در مورد لزوم وجود این شرط نیز تردید نموده‌اند تنها امری که لازم است این است که هجرت برای حفظ دین باشد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱،

۶ (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا). سوره انفال / ۷۲.

ولیکن جهاد و نیت خیر را تحصیل کنید» (القشیری النیشابوری، ج ۳، ص ۱۴۸۷). و حضرت علی (ع) به یارانش فرمود: پس از هجرت بادیه‌نشینی روا نیست (یعنی مسافرت کردن مسلمانان از بلاد اسلام به بلاد کفر و اقامت در آنجا جایز نیست) پس از فتح مکه هجرت مورد ندارد» (ابن شعبه حرانی، ص ۱۰۶).

در سوره عنکبوت درباره اهمیت و تحریض به هجرت، از سرزمینی که در آن نمی‌توان خدا را عبادت کرد، چنین آمده است: «ای بندگان من که به من ایمان آورده‌اید! زمین من فراخ است، پس تنها مرا بپرستید».^۴ و در آیات بعد، بر صبر کردن نسبت به مشکلات هجرت و نگران نبودن از بابت رزق و معیشت تأکید شده است. بنا بر نظر بسیاری از مفسران، این آیه درباره مؤمنانی است که تحت فشار شدید مشرکین مکه بودند، به طوری که توانایی انجام وظایف اسلامی را نداشتند. روایتی از ابن عباس در این مورد بیان شده که: «این سخن تشویق و تحریک به هجرت کردن از مکه می‌باشد» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ج ۱۶، ص ۲۱۶ و طبرسی، ۱۳۴۷: ج ۵، ص ۳۶ و طبرسی، ۱۹۹۵: ج ۱۹، ص ۸۴). روایتی نیز از پیامبر (ص) در مورد اهمیت هجرت، نقل شده است که فرمودند: «هر که به خاطر دینش از سرزمینی به محل دیگری فرار کند هر چند فاصله‌اش به اندازه یک وجب باشد بهشت بر او واجب می‌شود و رفیق ابراهیم و محمد (ص) می‌باشد».^۵ زیرا این دو پیامبر بزرگ پیشوای مهاجران جهان بودند.

۴. (يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ) (سوره عنکبوت/ ۵۶؛ ر.ک: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۲۱۶ و سوره نساء/ ۱۰۰؛ همان، ج ۵، ص ۸۳؛ ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص ۶۵).

۵. من فرّ بدینه من أرضی إلی أرض و إن کان شبراً من الأرض استوجب الجنة و کان رفیق ابراهیم و محمد صلی الله علیه و آله. (ترجمه جوامع الجامع، ج ۵، ص ۱۵؛ ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۱).

روایات کثیری هرگونه تسلط کفار بر مسلمانان را غیرمجاز اعلام کرده است؛ بنابراین هر نوع ارتباط با غیرمسلمانان که منجر به سلطه غیرمسلمانان بر امت اسلام گردد، ممنوع و حرام است. از جمله این دسته از ادله می‌توان به آیه نفی سبیل^۷ و حدیث شریف علو (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۴۴). و همچنین اجماع فقها (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۹۱). اشاره نمود. طبق مضمون این قاعده باید از تطاببات به نحوی باشد که اسلام همواره دست بالاتر را داشته باشد و حکومت اسلامی به هیچ‌عنوان اجازه ندارد قانونی را بپذیرد که نتیجه آن تسلط غیرمسلمانان بر جامعه اسلامی شود. عمل به مفهوم این حدیث در نهایت منجر به رشد و بالندگی جامعه اسلامی خواهد شد چرا که با عمل به مفاد این حدیث از یک‌سو هرگونه سلطه و استبداد در جامعه اسلامی ریشه‌کن می‌شود و از سوی دیگر با حفظ عزت اسلام و نظام اسلامی در نهایت به اعتلای ساختار اسلامی در جهان منجر می‌شود (افشار و موحدی نیا، ۱۴۰۰: ۲۴۲). در استفتاء از مراجع عظام تقلید و فقهای معاصر به این مسئله تأکید داشتند که اگر جامعه اسلامی به دانش و تخصص نخبگان نیاز داشته باشند و مهاجرت دائمی آنان موجب ضعف و عدم تأمین نیازهای جامعه اسلامی، تقویت کفار و اعمال فشار نظام سلطه بر جوامع اسلامی باشد در این صورت مهاجرت به خارج از کشور صحیح نیست.

۷. سوره نسام(۴)، آیه ۱۴۱: «لَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِحُكْمِ قَوْمٍ لَّكُم مِّنْ اللَّهِ قَوْلٌ آلَاوَا لَكُمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانُوا لَكُفَّارِينَ نَصِيبٌ قَالُوا آلَمْ نَسْتَجِزْكُمْ عَلَيْهِمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا مَّنَافِقَانِ أَنَا نِي هَسْتَنَدُ كِه نِگَرَان و مَرَاقِب حَال شِمَائِنْد، چنانچه برای شما فتح و ظفري پيش آيد (برای اخذ غنيمت) گویند: نه آخر ما با شما بودیم؟ و اگر کافران را فتح و بهره‌ای رسد به آنها گویند: نه ما شما را به اسرار مسلمانان آگاه کردیم و شما را از آسیب مؤمنان نگهداری نمودیم؟ پس خدا فردای قیامت میان شما و آنان حکم کند، و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود.»

ص ۲۷۹). انگیزه اصلی این فقها این است که دو هجرتی که در زمان پیامبر اسلام انجام شد؛ یعنی هجرت مسلمانان به حبشه و هجرت پیامبر از مکه به مدینه هیچ یک به سرزمین اسلامی نبود و هر دو به‌سوی سرزمین‌های غیراسلامی بود که رعایت شعائر اسلامی در آنها ممکن بود (مبلغی، ۱۳۸۵: ۵۶).

۳. هجرت به‌سوی سرزمین اسلامی باشد.
۴. مقدور نبودن اظهار دین. در این مورد نیز فقهای معاصر دیدگاهی منعطف‌تر دارند و موارد دیگری را علاوه بر عدم امکان اظهار دین، جزء شرایط وجوب هجرت می‌دانند؛ از جمله در حقیقت عدم قدرت بر اظهار دین تنها عامل در وجوب مهاجرت نیست و بلکه امور دیگری وجود دارد که ممکن است در شرایطی خاص سبب وجوب هجرت بر دسته‌ای از مردم شود. از این‌رو بر مفتی لازم است در صدور فتوا درباره مهاجرت این امور را مدنظر قرار دهد اگر به موضوع اقلیت‌های مسلمان در کشورهای اسلامی توجه کنیم درمی‌یابیم که چگونه اموری خاص می‌توانند سبب وجوب مهاجرت شوند.

با عنایت به اهداف و انگیزه‌های هجرت در آیات قرآنی، وجوب آن نسبت مهاجرت دائمی نخبگان جامعه اسلامی انصراف دارد، از این‌رو وجوب هجرت شامل نخبگان و استعداد‌های برتر مسلمان که شرایط رشد علمی، اجتماعی و معنوی در کشور مسلمان را دارند، شامل نمی‌شود.

۳-۲. قاعده نفی سبیل و حدیث علو و برتری اسلام

یکی از اصول مهم در انگاره اسلامی، تسلط نداشتن غیرمسلمان بر مسلمان و استقلال جوامع اسلامی می‌باشد. استقلال اسلام و مسلمانان به‌اندازه‌ای حائز اهمیت است که خداوند متعال در آیات و

۳-۳. قاعده تعرب پس از هجرت

کاطمی، ۱۳۹۲: ۲۱۴). اگر بدانند با رفتن به جایی آلوده به معصیت می‌شود رفتن به آنجا، حرام و اگر مسافرت باشد سفر او سفر معصیت است و باید نمازها را تمام بخواند و روزه‌ها را بگیرد اگر مصلحتی مهم از مفسده تعرب پس از هجرت پیش آید؛ نظیر حفظ مملکت اسلامی از سلطه کفر و نظیر حفظ کرامت و شرافت مملکت اسلامی در جهان و مانند این‌ها تعرب بعد از هجرت جایز بلکه در بعضی موارد واجب است اگر ماندن در بلاد کفر موجب وهن مملکت اسلامی شود حرام است گرچه موجب مفسده دینی و اخلاقی نشود، بلکه اگر مملکت اسلامی احتیاج به او داشته باشد ماندن در آنجا حرام است گرچه موجب وهن برای مملکت اسلامی نباشد. توبه از این گناه بزرگ علاوه بر پشیمانی از گذشته خارج شدن از آن محل است. نیازی نیست که آرای فقیهان مختلف در این باب نقل شود تا اثبات شود که همه یا اکثر آنان در خصوص مسئله مهاجرت نخبگان مسلمان چنین می‌اندیشند احکامی نظیر این به کرات نقل شده است و به بخشی از اطلاعات عمومی مسلمین مبدل شده است. قاعده منع تعرب پس از هجرت عمدتاً مبتنی بر روایات است و مستند قرآنی بر آن یافت نمی‌شود. از جمله روایاتی که مستند این قاعده می‌باشند موارد زیر هستند:

ابن محبوب می‌گوید من و شماری از اصحاب به جناب ابوالحسن (ع) نامه نوشتیم و ضمن آن از تعداد و ماهیت کبایر سؤال کردیم حضرت در پاسخ نوشت کبایر آنکه از ارتکاب هر آنچه خداوند برای انجامش کیفر دوزخ را تعیین نموده است دوری کند. اگر مؤمن باشد خداوند گناهان او را می‌بخشاید هفت

قاعده «تعرب-کشف-بعد از هجرت» که در فقه اسلامی از مفاد آن نهی شده است، به‌عنوان دلیلی دیگر جهت اثبات دیدگاه اسلام به منع مهاجرت دائمی نخبگان در فرض پشت‌کردن به آموزه‌های ناب اسلامی محسوب می‌شود. تعرب پس از هجرت از جهت لغوی گستره محدودی دارد و بیانگر این است که عرب بادی‌نشین پس از اینکه شهرنشین شد و با احکام و تکالیف اسلام آشنایی پیدا کرد، مجدداً به زندگی بدوی و بادی‌نیشینی خود بازگردد و این عمل در شریعت مورد نهی قرار گرفته است. اما این مفهوم در فقه امامیه به معنایی وسیع به کار گرفته شده است و هر نوع مهاجرت و ترددی را منتهی به دور شدن شخص از فضای اسلامی-احکام و تکالیف فردی و اجتماعی-گردد، شامل می‌شود (رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۶۳). طبق دیدگاه یکی از مراجع شیعه، یکی از گناهان کبیره در اسلام، تعرب پس از هجرت است و معنای آن این است که انسان جایی رود که نتواند دین خود را حفظ کند. نظیر این که جایی رود که از معنویات و وظایف اسلامی دور بماند و نتواند او و وابستگان به او برخورداری از آشنایی با اسلام و آموزه‌های اسلامی و معنویات انسانی شوند و به‌مثابه‌ی اینکه جایی رود که می‌داند خود او یا وابستگان به او فاسد می‌شوند و اگر در چنین جاهایی باشد خروج از آنجا را قرآن شریف واجب مؤکد می‌داند رفتن در بلاد کفر برای تحصیل یا تجارت و مانند این‌ها در صورتی جایز است که بتواند خود و وابستگان را از مفاسد آنجا حفظ کند^۸ (اخوان

۸. برای اطلاع بیشتر از چالش‌های زندگی مسلمانان در اروپا به‌ویژه از منظر حفظ اعتقادات و اعمال اسلامی می‌توانید به مقاله «وضعیت مسلمانان در اروپا؛ چالش‌های فراروی و چشم‌انداز آینده» (۱۳۹۳) اثر آقای محمد قربانپور دلاور انتشار یافته در فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای همچنین مقاله «زمینه‌ها و چالش‌های هویتی فراروی

مسلمانان در اروپا» (۱۳۹۵) نوشته آقای علی محسنی چاپ شده در فصلنامه مطالعات جهان اسلام مراجعه کنید، در این مقالات به‌خوبی به آسیب‌های اعتقادی و دینی به‌ویژه برای نسل‌های بعدی اشاره شده است.

عملی که آتش در پی دارد عبارت است از قتل نفس محترم، عقوق والدین، اکل ربا، تعرب پس از هجرت قذف، محصنات اکل مال یتیم و فرار از جنگ (نوری، ۱۴۰۸: ۴۲۱). محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت (ع) فرمودند: کبایر هفت عمل است قتل مؤمن از روی عمد، قذف محصنه، فرار از نبرد، تعرب پس از هجرت، اکل مال یتیم به ظلم، اکل ربا پس از بینه و هر آنچه خداوند بر ارتکاب آن وعده به آتش داده است. عبید بن زراره می‌گوید: از ابوعبدالله (ع) درباره کبایر پرسیدیم حضرت (ع) فرمودند: در کتاب علی (ع) هفت چیز است: کفر به خداوند، قتل نفس، عدم رعایت حقوق والدین، اکل ربا پس از بینه، اکل مال یتیم به ظلم، فرار از جنگ و تعرب پس از هجرت راوی می‌پرسد این تعرب پس از هجرت بزرگ‌ترین گناه است؟ حضرت می‌فرماید: آری (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۸، ص ۳). امام رضا (ع) در استدلال بر حرمت تعرب پس از هجرت می‌فرمایند: زیرا خوف آن هست که (متعرب) علم و یقین را ترک کند و یاور جاهلان شود و بر این امر اصرار ورزند (صدوق قمی، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۹۲).

۳-۴. رویکرد تکلیف‌گرایی و جمع‌گرایی

فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی یکی از مهم‌ترین الگوهای توسعه غربی و خصایص جامعه مدرن به شمار می‌رود (ویر، ۱۳۸۳: ۱۳۶؛ گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۴۷؛ دورکیم، ۱۳۸۷: ۶۷). فردگرایی معطوف به خودمداری، خودشیفتگی، اتکای افراطی به خود، شادکامی فردی، کیف فی الحال و کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران می‌باشد که اساساً مخالف تکلیف‌گرایی و جمع‌گرایی که مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است، می‌باشد (و ثوقی و میرزایی، ۱۳۸۷: ۱۳۸). تکلیف‌گرایی بیانگر این است که انسان‌ها علاوه بر داشتن حقوق و آزادی - مانند

حق مهاجرت به‌عنوان حق بشری - دارای یک‌سری تکالیف و مسئولیت در قبال جمع - خانواده و جامعه - هستند. امام خمینی (ره) تکلیف‌گرایی را مسئولیت دینی یا احساس مسئولیت در برابر خدای متعال می‌داند. برای نمونه، ایشان می‌فرمایند: «ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم. ما مکلفیم که با ظلم مقابله کنیم... ما مکلفیم از طرف خدا با ظلم مقابله کنیم...» (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۲۲۰). در این نگاه، داعی و انگیزه انسان در کنش و رفتار خویش به ارزش‌های متعالی معطوف است؛ اسلام قواعد خاصی را برای کنترل آثار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مهاجرت به‌ویژه مهاجرت دائمی نخبگان وضع نموده است. هدف از وضع این قواعد این بوده است که مهاجرت منجر به از میان رفتن باورهای مذهبی و اعتقادات انسان‌ها، ضعف مسلمانان، سلطه داشتن کفار بر مسلمانان نشود. مطالعه تاریخ فقه اسلامی نشان می‌دهد که در اسلام مسلمانان در امر هجرت از اختیار کامل برخوردار نیستند؛ بلکه موظف‌اند که در محلی اقامت‌گزینند که آن‌ها را از ارزش‌های اسلامی دور نکند و موجب تأمین نیازهای بشری جوامع اسلامی گردند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۱). به‌عبارت‌دیگر، مهاجرت آن‌ها محدود به این مطلب است که از ارزش‌هایی که جامعه اسلامی را می‌سازد فاصله نگیرند و موجب تضعیف جامعه اسلامی نگردند. اگر مسلمانی در جایی اقامت داشته باشد که در آنجا این احتمال وجود دارد که دینش در خطر قرار داشته باشد یا موجب ایراد ضرر یا عسرو حرج بر مردم مسلمان شود باید از آنجا به کشور خودشان مهاجرت کنند تا مردم جامعه از خطرات اقتصادی، جانی و مالی و... مصون بمانند.

این مسئله از صدر اسلام وجود داشته و با قوت و جدیت اعمال شده‌اند در برخی منابع تاریخی آمده

رده‌های علمی به خارج از کشور با ضوابط احتیاط مناسب نیست، بنابراین باید از مهاجرت آن‌ها به خارج از کشور به خصوص کشورهای غیراسلامی جلوگیری شود. لازم به ذکر است بر مسئولان ذی‌ربط واجب و لازم است زمینه جذب علمی این عزیزان را فراهم نمایند و آن‌ها هم به خارج از کشور مهاجرت نکنند؛ زیرا با مهاجرت آن‌ها زمینه از بین رفتن تعهد دینی و نسل آن‌ها نسبت سایر افراد جامعه فراهم می‌شود.

۳-۵. قاعده ثانویه مهاجرت دائمی نخبگان

گفته شد در قاعده اولیه فقهای معاصر بر این باورند با توجه به نیاز جامعه اسلامی بر وجود نخبگان و فراهم بودن شرایط رشد ایشان، مهاجرت دائمی نخبگان ممنوع و حرام است. ولی در فرض عروض عناوین ثانویه مانند عسر و حرج یا ضرر و غیره برای نخبگان در صورت عدم مهاجرت تبعات و پیامد وارده بر نخبه از نظر فقهی باید مورد بررسی قرار گیرد. در این رابطه با طرح این پرسش از فقهای معاصر و مراجع عظام تقلید که مهاجرت دائمی نخبگان در فرضی که برای برخی از نخبگان مسلمان شرایط جذب مناسب در جامعه اسلامی فراهم نباشد یا برخی مسئولان با مانع تراشی و عدم رعایت جوانب شایسته‌سالاری در جذب آنان، اهمال و اجحاف نمایند یا فردی ممکن است در خارج از ایران با پیشرفت‌های علمی‌اش در کنار دیگر محققان به کشفی دست پیدا کند که همه جهانیان از جمله کشور عزیز اسلامی ایران را منتفع کند، ولی همین شخص حتی با وجود بهترین شرایط در ایران، به دلیل نداشتن همکاران متخصص نتواند به چنین کشفی برسد؛ بر اساس مبانی و قواعد ثانویه فقهی آیا حق مهاجرت دائمی به کشورهای غیراسلامی دارند؟ مضمون پاسخ فقها به این شرح است که بر حکومت اسلامی فرض و واجب است که امکانات و شرایط

است: «قریش تیره نیرومند و اشراف‌منش عرب روزی مسلمان شدند که سپاه مدینه را در داخل شهر مکه دیدند. اینان همین که مسلمان شدند و مانند دیگران در جنگ‌های ایران و روم شرکت کردند برابر مقررات فقه اسلام از غنیمت‌های جنگی (مال) و (زمین بهره‌مند) گشتند... این تیره پیش از اسلام در کار بازرگانی تبحر کامل داشتند همین که با گسترش فتوحات اسلامی از نو به نوایی رسیدند، می‌خواستند شیوه دیرین خود را در پیش گیرند.

طبری در ضمن روایتی می‌گوید عمر بزرگان قریش را در مدینه بازداشته بود و نمی‌گذاشت از این شهر بیرون بروند می‌گفت قریش می‌خواهد مال خدا را به کار خود صرف کند و دیگران را از آن محروم بدارد؛ از این رو اجازه مهاجرت به نخبگان قریش از سوی عمر داده نشد (شهیدی، ۱۳۸۳: ۱۳۶). مورخان شیعه با همه انتقاداتی که از عمر نموده‌اند از این عمل وی انتقادی ننموده‌اند و برعکس عمل خلیفه بعدی یعنی عثمان را در لغو چنین محدودیت‌هایی مورد نکوهش قرار داده‌اند و آن را موجب رواج دنیاگرایی در میان مسلمانان دانسته‌اند. این امر نشان می‌دهد که چنین دیدگاه جمع‌گرایانه و تکلیف‌گرایانه تا چه اندازه‌ای بین سیره متشرعه و مسلمانان مقبول و مرسوم بوده است کما اینکه سیره عقلا و خردمندان دنیا و دولت‌ها در کشورهای مختلف برای عدم مهاجرت نخبگان علاوه بر حمایت‌های ویژه، قوانینی نیز وضع نموده‌اند.

فقهای معاصر در این زمینه نیز تأکید داشتند نخبگان مسلمان و سرمایه‌های انسانی در وضعیتی که نهادهای دولتی در کشور اسلامی شرایط اشتغال و رشد ایشان را فراهم نمایند، به‌عنوان حق اجتماعی یا تکلیف شرعی موظف به ارائه خدمات به جامعه مسلمانان هستند و مهاجرت نخبگان در تمامی

برای بازگرداندن نخبگان خارج از کشور باید برنامه منسجمی داشت. در همین راستا در ادامه پیشنهاد و راهکارهایی برای حفظ و بازگشت نخبگان ارائه می‌شود.

تکریم و شایسته‌سالاری: آنچه نخبگان را ترغیب می‌کند تا در کشور بمانند یا به کشور برگردند؛ صرفاً حس وطن‌دوستی، اسلام‌خواهی یا گرایش‌های ایدئولوژیک نیست؛ بلکه آنها به این مسئله فکر می‌کنند که در صورت ماندن یا بازگشت می‌توانند مؤثر باشند یا خیر؟ (عسگری و غیره، ۱۳۷۶: ۱۱). برخی از تنگناها و مشکلاتی که باعث ایجاد حس مؤثر نبودن می‌شود می‌توان به این موارد اشاره کرد: وجود مقررات محدودکننده برای فعالیت‌های علمی و اقتصادی نخبگان، کم‌توجهی به سازوکار و معیارهای شایسته‌سالاری در مدیریت‌ها، ضعف نگرش در کاربرد علمی و استفاده از نظرات کارشناسی، کمبود انعطاف در نظام اداری کشور، نبود باور جدی و سازوکار لازم برای به‌کارگیری یافته‌های پژوهشی در امور اجرایی، حاکمیت ملاحظات سیاسی در مدیریت و اجرا، سیادت نظام اداری بر نظام علمی کشور، ضعف توجه دولت و ساختارهای رسمی به حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی نخبگان، کمبود مدارا و انتقادپذیری (ذاکر صالحی، ۱۳۸۸: ۲۸). این موارد تنها برخی از ده‌ها مشکلات نخبگان در ارتباط با دولت هستند. شایان‌ذکر است که نوسازی دولت و ارتقا اثربخشی حاکمیت می‌تواند تأثیرگذار باشد. باید حضور نخبگان در دولت و حاکمیت را به جدیت دنبال کرد. از سوی دیگر، برای ترغیب نخبگان خارج از کشور نیز می‌توان از افراد، گروه‌ها و نهادهای فرهنگی - سیاسی ایرانی خارج از کشور برای بازدید از ایران، تبادل نظر و مذاکره و مشاوره با حفظ احترام و عزت متقابل دعوت به عمل آورد.

زندگی را طوری تأمین نمایند که میل و اشتیاق نخبگان برای ماندن در کشور بیش از مهاجرت به دیگر بلاد باشد و باید شرایط و بسترهای نگهداشت و انتفاع از نخبگان و استعدادهای برتر را در کشور فراهم نماید که در ذیل به مهم‌ترین راهبردها و راهکارهای پیشگیری از مهاجرت دائمی نخبگان و یا بازگشت نخبگان مهاجر می‌پردازد.

۴. پیشنهادهای سیاستی

در اختیار داشتن نیروی کار متخصص را می‌توان یکی از عوامل اثرگذار در رشد اقتصادی و یکی از الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی دانست، بنابراین مهاجرت متخصصان به ویژه در صنایع راهبردی کشور، فرایند رشد اقتصادی کشور را با مشکل مواجه می‌نماید (نوروزی و جوادی، ۱۳۹۷: ۸۸). بعلاوه، پدیده مهاجرت نخبگان و متخصصان به خارج از مرزها به دلیل آثار و تبعات سوء فرهنگی، روانی، سیاسی و نقش منفی آن در فرایند توسعه و تخریب اعتبار ملی و تغییر نسل‌های آینده به‌عنوان تهدیدی جدی برای حال و آینده کشور نگرانی‌هایی در سطوح مختلف مدیریتی و اجتماعی کشور ایجاد کرده است. کشورها با مهاجرت نخبگان و نیروی کار ماهر و متخصص به تدریج شاهد کاهش تولید سرانه رفاه اقتصادی و رشد اقتصادی خواهد بود. مهاجرت نخبگان همچنین باعث می‌شود در آینده کشور از نیروی فعال بالقوه بی‌بهره باشد این در حالی است که کشورها هزینه زیادی را برای تربیت نیروی متخصص صرف می‌کنند و از دست‌دادن این نیروها به منزله از دست‌دادن میلیاردها دلاری است که سال‌ها در زمینه انباشت سرمایه انسانی و دانش هزینه شده است (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۱۶). برای حفظ جامعه نخبگان در قدم اول می‌بایست از مهاجرت دائم آنها جلوگیری شود. در گام بعدی نیز

علمی همین بس که اعضای هیأت علمی ارکان مهم دانشگاه هستند و نحوه عملکرد آن‌ها در کارآیی کلی نظام آموزشی نقش کلیدی دارد. تحولات نظری و تحقیقات تجربی حاکی از آن است که عملکرد اعضای هیأت علمی به طور مستقیم با فرایند مدیریت استعداد در یک دانشگاه مرتبط است (احمدی و صباغ پور، ۱۴۰۱: ۱۲۱). از سوی دیگر، اهمیت نقش کارآفرینی در جذب نخبگان کشور و جلوگیری از خروج آنان بسیار حائز اهمیت است (شاه‌آبادی و بنیادی، ۱۴۰۰) شایان ذکر است که حلقه مفقوده ارتباط بین دانشگاه و صنعت کشور سال‌هاست که یک معضل و چالش جدی برای توسعه کشورمان ایجاد کرده گرچه دفتر ارتباط با جامعه و صنعت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به‌عنوان ابتکاری «طرح تحول همکاری‌های دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی، پژوهشی و فناوری با جامعه و صنعت» را در سال ۱۳۹۸ به دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی و پارک‌های فناوری ابلاغ کرد، با این حال هنوز در بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز علمی از ظرفیت این طرح استفاده نمی‌کنند و پیگیری مستقیم و جدی نیز در این باره دیده نمی‌شود. (دفتر ارتباط با جامعه و صنعت، ۱۴۰۰). در واقع، علاوه بر اهتمام دولت برای ارتباط بین دانشگاه و صنعت و برقراری و تحکیم این ارتباط، طراحی یک الگوی پایدار بومی نیز برای این تعامل نیاز است. سیاستگذاران با تسهیل فضای کسب و کار، افزایش فضای کارآفرینی و مدیریت عرضه و تقاضا می‌توانند باعث کاهش خروج نخبگان از کشور شوند. از منظر شرکت‌های دانش‌بنیان یکی از بهترین راهکارها، ایجاد فضای کسب و کار است که در کنار جذب نخبگان می‌تواند کاهش واردات و ارزآوری را نیز برای کشور به همراه داشته باشد. نهادهای حاکمیتی، می‌توانند از طریق فراهم کردن زمینه تبادلات فرهنگی، تسهیل برای ورود به موقع کسب و کارهای به بازارهای بین‌المللی و

همچنین تسهیل امکان تماس با مسئولین نیز نشانگر تکریم این قشر مهم جامعه است. بعلاوه، داشتن یک برنامه منسجم برای جذب نخبگان در بخش‌های دانشگاهی و دولتی که بروکراسی طولانی را دور بزند و در کمترین زمان و با ارزیابی تخصصی وضعیت آنان را مشخص کند. یکی از مهم‌ترین الزامات برای حفظ این افراد است. در سال‌های اخیر بخشنامه‌های مختلفی در این خصوص نگاشته شده؛ اما محقق شدن آنها بحث دیگری است که اراده و همت مسئولین ذی‌ربط را می‌طلبد.

حل اشتغال و درآمد نخبگان: مسئله اشتغال و درآمد نخبگان یکی از علل مهاجرت آنها محسوب می‌شود. بخشی از آنها درگیر بروکراسی طولیل جذب هیأت علمی می‌شوند و بخش دیگری که خواهان جذب در بخش خصوصی هستند تمایل دارند خود به صورت کارآفرین به اشتغال‌زایی بپردازند. شایان ذکر است در بخش جذب هیأت علمی، مشکلات و چالش‌های متعددی در مسیر راه نخبگان وجود دارد. در سال‌های اخیر با افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری شاهد کاهش جذب هیأت علمی هستیم که در نتیجه دلسرد شدن نخبگان و مهاجرت به منظور کسب فرصت‌های بهتر شغلی تنها یکی از پیامدهای آن است. گفتنی است بر اساس گزارش شورای عالی فرهنگی تعداد اعضای هیأت علمی تمام‌وقت در یک میلیون نفر جمعیت کشور از تعداد ۱۴۲۰ نفر در سال ۱۳۸۷ به ۱۰۵۱ نفر در سال ۱۳۹۷ رسیده که نشان‌دهنده نزول ۲۶ درصدی شاخص مذکور بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷ است. این در حالی است که سهم دانشجویان دوره دکتری تخصصی از کل دانشجویان کشور طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۸ چهار برابر شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۹: ۲۷ و ۳۴). در اهمیت جذب نخبگان به صورت هیأت

اقدامات حمایتی جهت برندسازی و بازاریابی و ارائه الگوها به کسب و کارها زمینه غلبه بر محدودیت‌ها را برای کسب و کارهای فراهم آورد (جاوید عربشاهی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵۹). گفتنی است، افزایش سطح دستمزدها به ویژه در بخش دولتی و در سطح دانشگاه و مؤسسات علمی و متناسب‌سازی آن با دستمزدهای هم تراز در دانشگاه‌های کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز می‌تواند مثر ثمر باشد.

ایجاد ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پایدار: شرط توسعه هر کشوری، ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پایدار است. در چنین فضایی افراد امکان شکوفایی استعدادهای خود را دارند. در واقع ثبات سیاسی به معنای وجود فضای سیاسی و اجتماعی آرام و قابل اعتماد، تداوم در قوانین، مدیریت و سیاست‌ها و همچنین به معنای عدم وجود شرایطی مثل جنگ، شورش، کودتا، هرج و مرج و بی‌نظمی، تهدیدات نسبت به نظام و جامعه است (موتقی و کرم‌زاده، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، در خصوص ثبات اقتصادی نیز تعاریف متعددی آمده است؛ اما مهم‌ترین آن عدم وجود نوسانات بیش از حد در اقتصاد کلان یک کشور را ثبات اقتصادی می‌گویند. در واقع ثبات اقتصادی نه تنها باعث روشن شدن آینده اقتصادی و قابلیت اجرایی برنامه‌های توسعه‌ای یک کشور می‌شود، بلکه بر مبنای همین پیش‌بینی وضعیت اقتصادی، منجر به افزایش ذخایر پولی کشور، صادرات و ارزآوری، اشتغال، رفاه عمومی در بخش‌های مختلف می‌شود. بعلاوه با توزیع عادلانه درآمدهای عمومی کشور نیز ثبات سیاسی و اجتماعی نیز تقویت می‌شود (ناهدی امیرخیز، ۱۳۹۲). در کنار این موارد، نباید از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز غافل شویم، با توجه به نیروی کار متخصص و جوان در داخل و هزینه‌های پایین

تولید نسبت به کشورهای دیگر، باثبات اقتصادی و ارتباط با سیستم بانکی جهان می‌توان شرایط جذب سرمایه‌گذاری خارجی را نیز مهیا نمود؛ چراکه این امر در درازمدت می‌تواند مشاغل و تجارت را افزایش داده و مهاجرت را کاهش دهد (مارتین و ویگرن، ۱۳۸۶: ۷۹). اگر کشوری از چنین شرایطی برخوردار نباشد، میل به مهاجرت از کشور در میان آحاد مردم افزایش می‌یابد. در همین راستا، نخبگان و متخصصان به واسطه زمینه جذب در مشاغل و مناصب پژوهشی در کشورهای توسعه یافته بیش از دیگران تمایل به مهاجرت خواهند یافت که مسلماً پیامدهای خروج این مهاجرت سال‌ها گریبان کشورمان را خواهد گرفت در اینجاست که توجه به ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند. سیاستمداران و دولت‌ها باید تلاش کنند با برنامه و اقدامات منسجم از بروز ناامنی و بی‌ثباتی در بخش‌های مختلف کشور جلوگیری کنند. در چنین فضایی است که افراد مختلف به‌ویژه نخبگان می‌توانند بدون واگمه داشتن از آینده به کار خود ادامه دهند و به آینده امیدوار باشند.

ایجاد رویکرد فرصت‌محور و توسعه نسبت به سیاست‌های مهاجرتی: در سال‌های اخیر، از پیامدهای منفی مهاجرت نخبگان به‌ویژه آنانی که به طور دائم کشور را ترک می‌کنند گزارش‌های متعددی به دست آمده است. به احتمال زیاد همین چشم‌انداز نه‌چندان مطلوب باعث مغفول ماندن تدوین برنامه‌ای توسعه‌ای برای مهاجرت شده است. امروزه بسیاری از کشورها همچون، بنگلادش، چین، مکزیک اقدام به اعزام نیروی کار متخصص، نیمه‌ماهر و غیرماهر به کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس می‌کنند که علاوه بر حل مشکل اشتغال، باعث ارزآوری هم می‌شوند از

ایرانیان را منتفع کند، ولی همین شخص حتی با وجود بهترین شرایط در ایران، به دلیل نداشتن همکاران متخصص نتواند به چنین کشفی برسد گفته شد در این حالت از نظرگاه فقهی چنین شخصی حق مهاجرت دارد اما اعطای ویزای ویژه نخبگان از جمله اقدامات و راهبردهای برجسته ای باشد در جهت منتفع نمودن جامعه‌ی در حال توسعه کشور اسلامی. همانطوری که در بسیاری از کشورها برای جذب نخبه در همه عرصه‌های علوم، هنر، ورزش و تجارت دنبال می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان به ویزای نخبگان یا همان ویزای تلنت آمریکا، استرالیا، فرانسه، اتریش اشاره کرد (USCIS 2022). که در جذب نخبگان در عرصه‌های علمی، فرهنگی و هنری نقش مؤثری دارند. کشور ما نیز با ابتکاراتی از قبیل اعطای کارت شهروندی ویژه برای حل مشکل تابعیت دوگانه و یا اعطای ویزای نخبگان برای جذب نخبگان خارجی و ایرانیان نسل‌های دوم و سوم می‌تواند از تخصص این افراد بهره‌مند گردد.

۵. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش فرا رو به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای مسئله مهاجرت دائمی نخبگان از منظر مبانی و قواعد فقه ارتباطات و روابط بین‌الملل و دریافت نظرگاه فقهی معاصر بوده تا از این رهگذر سیاست‌ها و بایسته‌های قانونی برای ورود جدی‌تر و تخصصی‌تر به مهار مهاجرت دائمی نخبگان ارائه گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد طبق قاعده اولیه فقهی، نخبگان مسلمان و سرمایه‌های انسانی در وضعیتی که نهادهای دولتی در کشور اسلامی شرایط اشتغال و رشد ایشان را فراهم نمایند بر اساس مبانی و قواعد فقهی به‌ویژه قاعده نفی سبیل و حدیث علو و برتری اسلام، تعرب پس از هجرت،

طرفی می‌تواند نگرانی‌ها در خصوص مهاجرت دائم متخصصان و نخبگان را تا حد زیادی برطرف کند. گفتنی است بنا بر اعلام بانک جهانی، حوالجات ارزی ارسالی از سوی نیروی کار در جهان در سال ۲۰۲۲ به ۶۲۶ میلیارد دلار رسیده است که برای اولین بار در تاریخ یک کشور، هند در حال رسیدن به رقم ۱۰۰ میلیارد دلار دریافت حوالجات سالانه است (بانک جهانی، ۲۰۲۲). کشور ما نیز می‌تواند با انعقاد تفاهم‌های مختلف با کشورهای دیگر در زمینه اعزام نیروی متخصص از این فرصت جهانی نیز بهره‌مند شود. در نهایت ضمن آرزوی برای کشور از مهاجرت دائمی متخصصان نیز جلوگیری شود.

تابعیت دوگانه و اعطای ویزای نخبگان: کشورهای مهاجرپذیر اصل خاک و کشورهای مهاجرفرست اصل خون را برای تعیین تابعیت اعمال می‌کنند. این امر در بعضی موارد موجب تعارض قوانین تابعیت می‌شود (محمدزاده و اخلاقی، ۱۳۸۴: ۱۴) در ایران به دلیل نگاه امنیتی که در خصوص تابعیت دوگانه افراد حاکم است این مسئله اغلب به‌عنوان تهدید قلمداد می‌شود. درحالی‌که برای حفظ جامعه دیاسپورای ایران و نخبگان مقیم خارج باید با نگاهی ملی به این مسئله نگاه کرد و تلاش نمود تا با ابتکارات و سازوکارهایی مشکلات دانشمندان ایرانی مقیم خارج را در این خصوص رفع نمود و تردد به داخل و خارج را تسهیل کرد تا بتوان از توانمندی‌های بسیاری از نخبگان مقیم خارج در راستای منافع ملی و رفاه ملت استفاده نمود و ارتباطات و تعاملات آن‌ها را نیز با فضای علمی کشور حفظ کرد. از سوی دیگر برخی مخترعان و دانشمندان ایرانی ممکن است در خارج از ایران با پیشرفتهای علمی‌اش در کنار دیگر محققین به کشفی دست پیدا کند که همه جهانیان از جمله

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمام اصول اخلاقی در این پژوهش رعایت شده است.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته و مستخرج از پایان‌نامه نیز نیست.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان به طور یکسان در تهیه و تدوین این مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نظر نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

رویکرد تکلیف‌گرایی و جمع‌گرایی اسلام و نظر فقهای معاصر حق مهاجرت دائمی به کشورهای غیراسلامی را ندارند، بلکه به‌عنوان حق اجتماعی یا تکلیف شرعی موظف به ارائه خدمات به جامعه مسلمانان هستند؛ از این رو مهاجرت دائمی و غیرقابل بازگشت نخبگان از کشور اسلامی به بلاد غیراسلامی و دارالحرب امری ممنوع و حرام است. بنابراین بر حکومت اسلامی واجب است که امکانات و شرایط زندگی را طوری تأمین نمایند که میل و اشتیاق نخبگان برای ماندن در کشور بیش از مهاجرت به دیگر بلاد باشد.

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده راهبردها و راهکارهایی چون ایجاد اشتغال، بهبود امنیت شغلی، رعایت شایسته‌سالاری در انتصاب افراد، حمایت هرچه بیشتر از شرکت‌های دانش‌بنیان و ارتباط نزدیک‌تر با بخش صنعت در کنار اقدامات فرهنگی و آموزشی، ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ایجاد رویکرد فرصت‌محور و توسعه نسبت به سیاست‌های مهاجرتی و حل تابعیت دوگانه و اعطای ویزای نخبگان می‌تواند در کاهش آمار مهاجرت نخبگان تأثیرگذار باشد.

علاوه بر مشکلات عمومی تحقیقات در کشور، مهم‌ترین محدودیت پژوهش پیش‌رو، دستیابی به لایه‌های پنهان و زیرین اطلاعات و داده‌ها در این زمینه است، از این رو پیشنهاد می‌شود طرح کلان ملی در مراکز تحقیقاتی وابسته به نهادهای ذی‌ربط دولتی در زمینه کاهش مهاجرت نخبگان و بازگشت نخبگان خارج از کشور با رویکرد فقه ارتباطات و اجتماعی جهت ریل‌گذاری، سیاست‌گذاری و تعیین خط مشی دولت در دستور کار قرار بگیرد.

منابع فارسی

- ابراهیم‌زاده، عبدالله. (۱۳۸۵)، حاکمیت دینی، چاپ سوم، تهران: انتشارات زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع)
- ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۳۸۵ش). کامل التاریخ، به اهتمام دکتر سادات ناصری، قم: مؤسسه الأعلمی مطبوعات
- ابن شعبه، ابومحمد. (۱۳۶۳ش). تحفالعقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌م، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین
- ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۸۳). سیرت رسول‌الله، ترجمه: رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی قاضی ابرقوه. مصحح: جعفر مدرس صادقی. ناشر: مرکز. نوبت چاپ: سوم
- احمدی، حمید. (۱۳۷۹). نقش ایرانی‌ت و اسلامیت در هویت ملی ایرانیان. در مجموعه مقالات گفتمان ایرانیان: نخستین همایش بررسی و شناخت مسائل ایرانیان مقیم خارج از کشور، توسط اداره کل امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور، ۵۱-۵۵. تهران: انتشارات کمیل. [لینک]
- احمدی، حسن؛ صباغ پور اذریان، زهیر. (۱۴۰۱) شناسایی و تحلیل راهبردها و بسترهای مدیریت استعداد در آموزش عالی ایران. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۲(۴۲)، ۱۱۸-۱۳۷.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۲). دیپلماسی و رفتار بین‌المللی در اسلام. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- افشار، اباذر و مهدی موحدی نیا. (۱۴۰۰). بررسی تعارض سند ۲۰۳۰ در مواجهه با حدیث علو. مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، ۱۵(۴۳)، ۲۳۷-۲۵۸.
- آقازاده، حسین. (۱۳۷۹). هویت ایرانیان خارج از کشور و چالش‌های آن، در مجموعه مقالات گفتمان ایرانیان: نخستین همایش بررسی و شناخت مسائل ایرانیان مقیم خارج از کشور، توسط اداره کل امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور، ۳۱-۵۰. تهران: انتشارات کمیل. [لینک]
- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۳۷۹). دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۳۸۰). دیدار جمعی از دانشجویان برگزیده
- المیادای جهانی و داخلی. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۴۰۰ش). دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی با رهبر انقلاب. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۴۰۱ش). بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر تحصیلی. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بانک جهانی. (۲۰۲۲). رشد ۵ درصدی حوالجات در سال ۲۰۲۲ علی‌رغم بادهای منفی جهانی.
- بنیاد ملی نخبگان. (۱۴۰۱ش). پایگاه اینترنتی: [لینک]
- جاوید عربشاهی، علیرضا؛ خیاطیان یزدی، محمداصداق؛ سخدری، کمال. (۱۴۰۲) طراحی الگوی بین المللی شدن کسب و کارهای الکترونیکی ایرانی. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۳(۴۶)، ۱۴۲-۱۶۵.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- دفتر ارتباط با جامعه و صنعت. (۱۴۰۰ش). گزارش پایش پیشرفت طرح تحول در همکاری با جامعه و صنعت. تهران: معاونت پژوهش و فناوری؛ اداره کل ارتباط با جامعه و صنعت. [لینک]
- دورکیم، امیل (۱۳۸۷ش). درباره تقسیم کار اجتماعی. مترجم: باقر پرهام. تهران: انتشارات مرکز.
- ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۸۸ش). سند ملی و فرابخشی تمهید شرایط حفظ و استفاده بهینه از نخبگان. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- رحیمی، مرتضی. (۱۳۹۹ش). نقش تربیتی روایات تعرب پس از هجرت. آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۵(۲)، ۱۵۹-۱۷۴.
- ردخانه مهاجرت ایران. (۱۴۰۰). سالنامه مهاجرتی ایران ۱۴۰۰. تهران: انتشارات دانش‌بنیان فناور؛ سامانه ارزیابی شرکت‌های دانش‌بنیان. ۱۴۰۱. <https://daneshbonyan.isti.ir/>

شاه‌آبادی، ابوالفضل، و هدا بنیادی. (۱۴۰۰). تأثیر کارآفرینی بر مهاجرت نخبگان در کشورهای منتخب منطقه منا. پژوهش‌نامه بازرگانی ۵۹-۸۴. USCIS. 2022. O-1 Visa: Individuals with Extraordinary Ability or Achievement. <https://www.uscis.gov/>.

شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۳). تاریخ تحلیلی اسلام از آغاز تا نیمه نخست سده چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی چاپ دوم

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۴). تدارک تأسیس مرکز آموزش عالی ویژه برای دانشجویان نخبه و بااستعداد. متن قانونی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. [لینک]

شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۹). روند تحولات شاخص‌های علم، فناوری و نوآوری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷-۱۳۹۸). تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی. [لینک]

محقق حلی، نجم‌الدین جعفر. (۱۴۰۸ ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان

صالحی امیری، سید رضا. (۱۳۸۸). مهاجرت نخبگان. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. [لینک]

محمدزاده، شهرام، و محمدرضا اخلاقی. (۱۳۸۴). حقوق ایرانیان مقیم خارج و بیگانگان مقیم ایران. قم: انتشارات فکرسازان. [لینک]

صدوق، علی بن‌الحسین بن بابویه القمی. (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه، محقق: علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق. طسی زیرب

موقتی، سید احمد و کرمزاده، مسلم. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ثبات سیاسی بر توسعه. فصلنامه سیاست، ۳۲۱-۳۴۰.

طباطبایی (علامه)، محمدحسین. (۱۳۹۸). تفسیر المیزان، فاطمه مشایخ، قم: انتشارات اسلام

موسوی بجنوردی، سید حسن. (۱۳۹۶). القواعد الفقهیه، چاپ اول، قم: انتشارات اسماعیلیان [لینک]

طبرسی، رضی‌الدین ابی‌نصر حسن بن فضل. (۱۳۴۷). جوامع الجامع، تصحیح ابوالقاسم گرگی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۱). صحیفه نور. تهران: بنیاد نشر آثار امام خمینی.

طبرسی، رضی‌الدین ابی‌نصر حسن بن فضل. (۱۹۹۵ م). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات.

ناهدی امیرخیز، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین بی‌ثباتی اقتصادی و توسعه اقتصادی، اجتماعی ایران. مطالعات جامعه‌شناسی ۱۱۵-۱۲۸.

عسگری، حسین، جان توماس کامینگز، وای شیائوهانگ، کاز میاگیوا، داهسیانگ دونالد لین، ویلیام ای، گلاسر و جی و کریستوفر هابرس. (۱۳۷۶). فرار مغزها: انتقال معکوس تکنولوژی. با ترجمه مجید محمدی. تهران: نشر قطره. [لینک]

نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لایحیاء التراث.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳). قواعد الاحکام فی مسائل الحلال والحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی

نوروزی، محمد؛ جوادی، محمد (۱۳۹۷). مفهوم و ابعاد انگیزاننده های مهاجرت داوطلبانه متخصصان صنعت نفت با تأکید بر نقش و کارکردهای مدیریت منابع انسانی: رویکرد سیاستی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، (۸) (۲۹).

القشیری النیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا). صحیح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي الناشر، بیروت: دار إحياء التراث العربي [لینک]

هاشمی شاهرودی. (۱۳۸۲). فرهنگ فقه، ج ۱، ج اول، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی. مترجم: منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی.

وبر، ماکس. (۱۳۸۳). دین قدرت جامعه. مترجم: احمد تدین، تهران: انتشارات قومس.

مارتین، فیلیپ، و جونا و یگر. (۱۳۸۶). مهاجرت بین‌المللی: رویارویی با چالش‌ها. با ترجمه ابوالقاسم ناظمی و محمد عاملی خراسکانی. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

وثوقی منصور؛ میرزائی، حسین. (۱۳۸۷). فردگرایی: تأملی در ابعاد و شاخص‌ها، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۴.

وقوفی، حسن. ۱۳۸۱. فرار مغزها، بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای گوناگون. تهران: بیستون. [لینک]

References

- Ahmadi, H., & Sabbaghpour Azarian, Z. (2022). [Identification and analysis of talent management strategies and contexts in Iranian higher education (a case study) (Persian)]. *Strategic Studies of Public Policy*, 12(42), 118-137.
- Afshar, A., & Movahhedinia, M. (2021). [Review conflict 2030 document in confrontation with the hadith of eminence (Persian)]. *Studies of Islamic Jurisprudence and Basis of Law*, 15(43), 237-258. [DOI: 10.22034/FVH.2021.5749]
- Akhavan kazemi, B. [Diplomacy and international behavior in Islam (Persian)]. Tehran: SAMT.
- Al-Allama al-Hilli, H. Y. (1992). [Ghavaedo Al Ahkam fi Masaele Alhalal Valharam (Arabic)]. Qom: Daftar intesharat islami Al-Hurr al-Amili, M. H. (1988). [Vasae-lo Shie (Arabic)]. Qom: Al Al Bayt Institute.
- Durkheim, E. (2002). [The division of labor in society (Persian)]. Tehran: Markaz.
- Ebrahimzade, A. (2006). [Religious authority (Persian)]. Qom: Zamzam-e-Hedayat. Giddens, A. (1997). *Sociology* [M. Sabori, Persian trans.]. Tehran: Ney
- Hashemi Shahrodi, M. (2003). [The culture of jurisprudence according to the religion of Ahl al-Bayt al-Salam (Persian)]. Qom: Institute of Encyclopedia of Islamic Jurisprudence.
- Ibn Asir, A. M. (2006). *Al-Kamal fi al-Tarikh* [A. Khalili, Persian trans.]. Tehran: Iran Books Printing and Publishing Company.
- Ibn Shobe, H. A. (1985). *Tahf al-Aqul An Ale-Rasool* [Kh. Kamaree, Persian trans.]. Tehran: Ketabkhane-Eslamiyeh.
- Ibn Hesham, A. H. (1994). *Sirat - i Rasul Allah* [R. Ibn Ishaq, Persian tran.]. Tehran: Markaz.
- Ibn Bavie Ghomi, M. A. (2006). [Man lā Yahḍuru al-Faḳīh (Arabic)]. Tehran: Darolketab-e-Eslamiya.
- Iran Migration Data Portal. (2021). [Iranian immigration-calendar 1400 (Persian)]. Tehran: Iran Migration Data Portal.
- Islamic Parliament Research Center of The Islamic Republic of Iran. (1995). [Preparing the establishment of a special higher education center for elite and talented students (Persian)]. Tehran: Islamic Parliament Research Center of The Islamic Republic of Iran.
- Javidarabshahi, A., Khayyatian, M., & Sakhdari, K. (2023). [Designing a model for the internationalization of Iranian electronic businesses (Persian)]. *Journal of Strategic Studies of Public Policy*, 13(46), 142-165.
- Khamenei, A. (2000). [The meeting of the members of the Supreme Council of the Cultural Revolution with the leader of the revolution (Persian)]. Tehran: KHAMENEI.IR.
- Khamenei, A. (2001). [A group meeting of selected students of international and domestic Olympiads (Persian)]. Tehran: KHAMENEI.IR.
- Khamenei, A. (2021). [The meeting of elites and top scientific talents with the leader of the revolution (Persian)]. Tehran: KHAMENEI.IR.
- Khamenei, A. (2022). [Statements of the leader of the revolution in the meeting of elites and top academic talents (Persian)]. Tehran: KHAMENEI.IR.
- Khomeini, R. (1991). [Sahifeye Noor (Persian)]. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Mablaghi, A. (2006). [Fighhe hejrat (Persian)]. *Fiqh*, 13(48), 3-18.
- Matin, Ph., & Vigren, J. (2007). *International migration: Facing the challenge*. [A. Nazemi, & M. Ameli, Persian trans.]. Tehran: Institute For Trade Studies and Research.
- Movassaghi, S. A., & Karamzadi, M. (2011). [The impact of political stability on development (Persian)]. *Politics*, 41(3), 321-340.
- Muhaqqiq al-Hilli, J. H. (2003). [Sharayero Al Islam fi Masaele Halal va Haram (Arabic)]. Tehran: Ketab Saraye Alami.
- Nahidi Amirkhiz, M. R. (2013). [The relationship between economic instability with economic and social development in Iran (Persian)]. *The Journal of Sociology*, 5(20), 115-128.

- Noori, H. M. T. (1987). [Moštadreko Al Vasael va Mostanbeto Al Masael (Arabic)]. Qom: Moaseseye Ale Albeit.
- Noruzi, M., & Javadi, M. (2018). [The concept and dimensions of “motivators of self-initiated expatriates of oil specialists” with an emphasis on the role and functions of human resource management: A policy approach (Persian)]. *Strategic Studies of Public Policy*, 8(29), 67-92.
- Rahimi, M. (2020). [Educational role of hadiths about ignorant Arabian lifestyle after Prophet Hegira (Persian)]. *Educational Doctrines in Quran and Hadith*, 5(2), 159-174.
- Shahabadi, A., & Bonyadi, H. (2022). [The effect of entrepreneurship on the brain drain in the selected countries of the MENA Region (Persian)]. *Iranian Journal of Trade Studies*, 26(102), 59-84. [DOI: 10.22034/IJTS.2022.246908]
- Shahidi, S. J. (2004). [Analytical history of Islam from the beginning to the first half of the fourth century (Persian)]. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Tabarsi, F. H. (1968). [Javameo Al Jame (Arabic)]. Tehran: University of Tehran.
- Tabarsi, F. H. (1959). [Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an (Arabic)]. Tehran: Maktabol Elmiyo Al Eslamiyat.
- Tabatabaie, M.H. (1991). *Tafsir al-Mizan* [M. T. Mesbahe Yazdi, Persian tras.]. Tehran: Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation.
- Vosoghi, M., & Mirzaie, H. (2008). [Individualism: Reflection on dimensions and indicators (Persian)]. *Journal of Social Sciences Letter*, 34.
- Weber, M. (2006). [Religion is the power of society (Persian)]. Tehran: Center for the rehabilitation of the blind.
- Zaker Salehi, Gh. (2009). [national and trans-sectoral document; Provision of conditions for maintaining and optimal use of elites (Persian)]. Tehran: Higher Education Research and Planning Institute.